

## ویژگی های سبک پیشروان ادبیات خلیج فارس (غلامحسین ساعدی و احمد محمود)

پروفسور جهانگیر درّی

در کشور پهناور ایران مردم در سطوح متفاوت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی می کنند. مردم روستاها و مناطق دوردست ایران با مشکلات زیادی روبرو هستند. در این مناطق شیوه های زندگی و فرهنگ ادوار مختلف تاریخی به چشم می خورد. نیمه دوم سال های ۱۳۴۰ تا اواخر ۱۳۶۰ سال های شکوفایی ادبیات اقلیمی است.

در این دوره جمعی از نویسندگان که دریافته اند زندگی طبقه متوسط شهری که درگیر مظاهر تمدن مصرفی است نمی تواند معرف زندگی تمامی مردم ایران باشد توجه خود را به وجوه مشخص عقب ماندگی در نقاط گوناگون کشور معطوف می کنند. اینان که اغلب از طبقه متوسط شهری برخاسته اند در سفرهایشان به گوشه و کنار مملکت و یا با تعمق در مسائل منطقه زیست خود با واقعیتی مواجه می شوند که تاثر و تعجبشان را برمی انگیزد. بس به نشان دادن شیوه زندگی این مردم همت می گمارند تا تصور خوانندگان شهری را از موقعیت زیستی مردم کشور دگرگون سازند. البته آثاری که از سطح جاذبه های بدوی و فلکلوریک گذشته اند و حقایق درونی زندگی در این مناطق را آشکار کرده اند و واقعیت اساسی جامعه را در زندگی منطقه ای کوچک متبلور



ساخته‌اند اندکند. ناگفته نماند که بخشی از اشتیاق خوانندگان به این ادبیات ناشی از جذابیت فرهنگها وادمهای ناشناخته ای است که ناگهان در دسترس قرار گرفته اند.

مهمترین دستاورد ادبیات اقلیمی حاصل تلاش های نویسندگان جنوبی است. داستان‌هایی که بر زمینه فرهنگ و طبیعت متنوع جنوب نوشته شده اند ماجرا پردازی را با مسائل اجتماعی در آمیخته اند.

رنگ اقلیمی در ادبیات داستانی معاصر از صادق چوبک آغاز شد و در آثار داستانی غلامحسین ساعدی بر آن تأکید گردید. ساعدی با آنکه خود در آذربایجان زاده شده بود در مجموعه داستانی «ترس و لرز» (۱۳۴۶)، جنوب سوزان و مضطربی را تصویر کرد که در حاشیه دریا دیده به تقدیر دوخته است.<sup>۱</sup> بعدها نویسندگان جنوب و جنوب غربی ایران رنگ محلی خاصی در آثار خود پدید آوردند. سیمین دانشور، به ویژه در «سووشون» و امین فقیری حال و هوای فارس را در آثار خود منعکس کردند و کسانی مانند احمد محمود، ناصر تقوایی، ناصر مؤذن، عدنان غریفی و نسیم خاکسار بعدها به محیط طبیعی و اقلیم سوزنده خوزستان روی کرده‌اند.

«مکتب خوزستان» توانسته است اصول کلی خود را بر پاره ای از آثار متعلق به نویسندگان غیر خوزستانی بار کند و با گرایشی نهایی آنان را دست کم در حوزه آن آثار وادار به تسلیم نماید. در این مورد خاص به عنوان نمونه می توان از «مدّ و مه» ابراهیم گلستان، «شراب خام» اسماعیل فصیح و «باشیرو» از محمود دولت‌آبادی نام برد، که در آنها فضای جغرافیایی خوزستان و رنگ محلی مربوط به آن چیرگی یافته است.

غلامحسین ساعدی (۱۳۶۴-۱۳۱۴) از پیشروان ادبیات منطقه فارس می باشد. داستان‌های او را می توان به دو گروه بخش کرد: ۱) داستان‌هایی که در شهر روی می دهند و ۲) داستان‌هایی که محل وقوع آنها یا در روستا و یا در جنوب ایران است. شخصیت‌های دسته اول خانه به دوشان و ولگردان و قهرمانان گروه دوم روستاییان و ساحل‌نشینان جنوبند.

مجموعه «عزاداران بیل» (۱۳۴۳) که شامل هشت داستان به هم پیوسته است، یکی از داستان‌های گروه دوم می‌باشد. ساعدی در این داستان‌ها مسائل زندگی در روستا را مطرح می‌کند



و از کار و امور روز، از بیماری و قحطی، از عشق و خرافات و موضوع هایی نظیر آنها سخن می گوید. بیل، دهکده ای کوچک و خیالی است که تمام ویژگی های یک جامعه بزرگ را دارا است: فضای آن فتنه خیز و مردم آن تنگدست و خرافه پرستند.

وجه مشترکی که در همه این داستان ها وجود دارد بلایی است که در همه آنها روی می دهد. این بلا در سه داستان نخست به صورت بیماری و در داستان پنجم به شکل سگی غریب ظاهر می شود. در داستان چهارم مردی که گاوش مرده است مشاعرش را از دست می دهد و خود را گاو می پندارد. داستان ششم شرح خرافه پرستی روستاییان و داستان هفتم توصیف بیماری مرموز یکی از آنان است. در داستان آخر سرنوشت یکی از اهالی دهکده توصیف می شود که به شهر می رود و در آنجا کارش به تیمارستان می کشد.

ساعدی در ایجاد فضای روستایی چیره دست است و در توصیف آدم ها و نشان دادن جهان ذهنی آنان توانا. او در این داستان ها چنان واقعیت و خیال را با هم در می آمیزد که سبب شگفتی می شود. طنز سیاه او نیز در این موارد غالباً به کشمکش می آید و معجونی غریب پدید می آورد. اما درباره این داستان ها باید به نکته ای نیز اشاره کرد: برخلاف ادعای بعضی از منتقدان نه دهکده بیل بی هویت است و نه ساکنان آن. آنچه شگفت انگیز است تنها غرابت رویدادهایی است که نیروی تخیل نیرومند ساعدی آنها را آفریده است و این از ارزش کار او نمی کاهد.

در مجموعه «ترس و لرز» (۱۹۶۸) ساعدی در ایجاد فضای غریب و وهم انگیز گامی فراتر می نهد.

داستان هایی می آفریند که برای آنها نظایر فراوانی در ادبیات معاصر ایران نمی توان یافت. در اینجا نویسنده به توصیف زندگی و سرنوشت ساحل نشینان جنوب ایران می پردازد و آثاری به وجود می آورد که بن مایه همه آنها «نزول بلا» است. داستان «گرداب» از آن شمار است. در اینجا دریا (نمادی برای زندگی) محل وقوع حادثه ای می شود که آن را فقط نیروی تخیل ساحل نشینان ساده دل می آفریند. به سخن دیگر، شخصیت های داستانی ساعدی از دریا (از درون خود) آینه ای می سازند که در آن تنها چهره ترسناک اشباح را می توان دید، اشباحی که سرانجام صورت انسانی می پذیرند و به شکل سیاه پوشانی مرموز از گرداب سر بر می آورند.



سبک ساعدی آمیزه‌ای از گرایش‌های رئالیستی و احياناً تمثیلی است. آثار ساعدی دو ویژگی دارند، یکی آنکه داستان‌ها و نمایشنامه‌هایش بیشتر روستایی است. دیگر آنکه رویکرد روان‌شناختی دارند. اگر ساعدی روانپزشک نبود و ترس‌خوردگان و روانپزشان را در حرفه‌اش تجربه نمی‌کرد، صاحب سبک مخصوص خود نمی‌شد. طنز داستانی‌اش از تلخی‌ها چاشنی می‌گیرد. آدم‌های داستان‌های ساعدی اگر ظالم باشند، نفرت‌انگیز نیستند و چه بسا ترحم را برمی‌انگیزند.

وحشت و یاسی که بر فضای بیشتر آثار نویسندگان دهه سی سایه افکنده است در نخستین داستان‌های احمد محمود (۱۳۰۹-۱۳۸۲) نیز آشکارا دیده می‌شود: گذشته از این در این نوشته‌ها خواننده با آدم‌هایی روبه‌رو می‌شود که چهره‌های مشخصی ندارند، قابل لمس نیستند و رفتار و گفتارشان چندان طبیعی نیست. این شخصیت‌ها که تحت تأثیر هدایت و چوبک آفریده شده‌اند، موجودات درونگرایی هستند که نهایت آرزویشان مرگ است، آنها از واقعیت‌های زندگی می‌گریزند و با کوچکترین رویداد ناگوار دست به خودکشی می‌زنند.

مجموعه «زائری زیر باران» (۱۳۴۶) حده فاصلی است بین آثار سال‌های نخست نویسنده و آثار دوران پختگی و کمال هنری محمود. گو اینکه فضای داستان‌های این دوره نیز تاریک و رخوت‌انگیز است، اما امتیازشان این است که در همه آنها آفتاب داغ، دریای متلاطم و نخلستان‌های وهم‌انگیز جنوب به گونه‌ای زنده و بدیع حضور دارند. اما اگر در جنوب زیبایی و ثروت هست، محرومیت و تنگدستی نیز هست. اکنون داستان‌های محمود سرشار است از وجود کارگران، کشاورزان، کپرنشینان و بیکاران. یکی از اینان قهرمان داستان «در زیر باران» است. او کارگر بیکاری است که خون خود را می‌فروشد تا بتواند با پولی که در ازای آن دریافت می‌کند زندگی خانواده‌اش را برای یکی دو روز تامین کند. نکته تکان‌دهنده در این داستان این است که محل آن دقیقاً در جایی است که ثروت سرشار این سرزمین در زیر خاک آن نهفته است. تردیدی نیست که پیوند پنهانی‌ای که در این داستان بین خون و نفت وجود دارد، نظر خواننده تیزبین را بی‌درنگ جلب می‌کند. خونی که از رگ‌های مردم تیره روز مکیده می‌شود، نمادی است برای ثروتی که از دست صاحبان آن به تاراج می‌رود.



در مجموعه «غریبه ها» (۱۳۵۰) زندگی مردم تنگدست جنوب را چون نویسنده موفق از مکتب گورکی توصیف می کند. از پرگویی آثار اولیش فاصله می گیرد و کارهای منسجم و هنرمندانه‌ای ارائه می دهد که از تلفیق روایت های عینی با گفتگوهای مختصر و مفید و یادهای درونی تشکیل شده اند.

محمود ابتدا در مجموعه «غریبه ها و پسرک بومی» (۱۳۵۳) به استقلال کامل هنری می رسد و آثاری می آفریند که از انسجام کافی برخوردارند. یکی از بهترین داستان های این مجموعه «شهر کوچک» نام دارد که به سبب ساختمانی استوار، فضایی گیرا و زبانی نیرومند اثری ممتاز است.

«شهر کوچک ما» درونمایه ای غنی و بکر دارد: با کشف نفت در شهرکی در جنوب، ماموران شرکت نخل ها را قطع می کنند، خانه هارا ویران می سازند و مردم را از زادگاه خود می رانند. اکنون شهر کوچک که سرسبزی و آرامش خود را از دست داده است باید پذیرای چیزی شود که جز تیره‌روزی و بی‌خانمانی حاصلی برای مردم بومی ندارد. نخل ها فرو می افتند تا دکل های نفت برافراشته شوند. طبیعت قربانی صنعت می شود و صنعت زمینه‌ساز ناکامی های جدید. از امتیازات این داستان، زبان ویژه آن است: زبانی تند و ناآرام و پرپیش، زبانی که به رگبارهای بهاری شبیه است.

با این داستانها می توان احمد محمود را از تواناترین توصیفگران زندگی تب‌آلود جنوب دانست. داستان های او از بدعت و غربتی مطبوع برخوردارند. این داستان ها ادامه یکدیگرند و در فضای همشکل با آدم هایی همانند می گذرند. با مطالعه آنها می توان به چگونگی تکوین رمان «همسایه‌ها» در ذهن نویسنده پی برد زیرا به مرور و از ورای داستانهای کوتاه که تکامل تدریجی نویسنده را نشان می دهند طرح کلی رمان پرآوازه‌اش شکل می گیرد. رمانی که دوره پرتحرک از زندگی مردم فرودست جنوب ایران را به شکلی گسترده و در متن دگرگونی های تاریخی مجسم می سازد.

رمان «همسایه ها» (۱۳۵۳) کامل و جا افتاده عرضه شده و در آن خصوصیات فنی و اصول کامل داستان‌نویسی تا حد قابل توجهی مراعات گردیده است. «همسایه ها» ماجرای گرفتاری‌ها و

سرانجامی های گروه همسایگانی است که در یک خانه بزرگ همانند کاروانسرا زندگی می کنند. راوی داستان پسرک جوانی است که نسبت به جریانهای سیاسی از خود حساسیت نشان می دهد. ماجرای داستان به حوادث بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و قضیه نفت مربوط می شود. دانشجوی جوان دانشکده افسری به علت درگیر شدن با قضایای سیاسی بعد از ۳۲، دستگیر و روانه زندان بندر لنگه می شود. حوادث داستان به عقب باز می گردد و با یادآوری مسائل گذشته ریشه حوادث بازشناسی و روشن می شود.

تصویری که قهرمان داستان از داخل زندان و رفتار خشن و نامناسب با زندانیان و شکنجه و اعدامهای بی رویه به دست می دهد با ترسیم زندگ راکد و بی حرکت مردم در بندر لنگه پرتوهای بر زندگی دشوار مردم بعد از وقایع نفت می افکند. پرداخت داستان بالنسبه محکم است. شخصیت پردازی نویسنده هم توفیق آمیز است. از بره های صحنه های زاید و زیاده گوییها که بگذریم، زبان داستان که به شیوه محاوره نزدیک می شود از بختگی و دلشینی لازم برخوردار است.

ویژگی عمده ای که اقلیم گرایان دهه ۶۰-۷۰ را از پیشینیان جدا می کند جایگزینی تخیل به جای مستندنگاری است. هدف نویسنده اقلیم گرا از سفر به منطقه، نه گزارشی انتقادی از وضع زیست بومیان، بلکه رازواره کردن منطقه با راه گشایی به درون باورهای افسانه ای آنها است. منطقه ناشناخته جغرافیایی به منطقه ای در ذهن بدل می شود و زمان و مکان رنگی ماوراء الطبیعی می یابند. تب و تاب راه یافتن به درون مردم و شناخت مناطق پرت افتاده، که در دهه ۱۳۴۰ عمده ترین دلمشغولی نویسندگان بود به نوعی خودنگری و جست و جوی ریشه ها و علت های فروریزی روحی - اجتماعی تبدیل می شود.

### پی نوشت ها

۱. در مورد ادبیات اقلیمی ر.ک. حسن عابدینی، صد سال داستان نویسی، ج ۲، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۶۵-۱۶۷.

### منابع

- رهنما، تورج، یک عمر در خدمت فرهنگ (گزیده مقالات)، به کوشش سوزان گویری، تهران، ۲۰۰۴.



- عابدینی، حسن، صد سال داستان‌نویسی، جلد دوم، تهران، ۱۳۳۸.
- یاحقی، محمد جعفر، چون سبوی تشنه، ادبیات معاصر فارسی، تهران، ۱۳۷۵.
- Дорри Д,Х, Персидская литература XX века, М.2005.